روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۸ مرداد ۱۳۹۴ • ۱۳ شوال ۱۴۳۶ • ۳۰ جولای ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۵۹ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۱ • اذان صبح فردا ۴:۳۴ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

لطفا من را نخورید

پوریا عالمی

• معاون وزیر بهداشت، درمان، آمپول، سرنگ، بخیه، سرم، پماد و آموزش‌پزشکی گفت: «۱۹ میلیون نفر در کشور غذای ناسالم می‌خورند».

۶۰- ۵۰ میلیون باقی‌مانده چه نوع غذایی می‌خورند؟

الف- غذا نمی‌خورند.

ب- هرچی دستشان برسد، می‌خورند.

پ- غذای دیگران را می‌خورند.

مرگ‌ومیرها

وزارت بهداشت اعلام کرد: «به‌دنبال اصلاح سیستم هستیم تا بتوانیم در ۱۰ سال آینده ۲۵ درصد از مرگ‌ومیرها را کاهش دهیم».

به نظر شما ۱۰ سال بعد جریان چیست؟

الف- ۲۵ درصد ما که جلو مرگ‌ومیرشان گرفته شده، به دلیل آلودگی هوا و مسائل غیرهوایی دیگر که هوای آدم را پس می‌کند، دارند جان می‌کنند اما نمی‌میرند به‌همین‌دلیل از وزارت بهداشت شکایت کرده‌اند.

ب- ۷۵ درصد ما جوان‌مرگ شدند چون غذای ناسالم می‌خورده‌اند.

پ- وزارت بهداشت جلو مرگ‌ومیر را گرفته و به زادوولد مردم کمک می‌کند.

ت- وزارت بهداشت نه‌تنها جلو مرگ‌ومیر را گرفته و به خودکفایی رسیده بلکه توانسته ۱۵ درصد مازاد مرگ‌ومیر را به خارج صادر کند.

سیگاری‌ها

وزارت بهداشت در انتها گفت: «سعی داریم در ۱۰ سال آینده ۳۰ درصد از مصرف سیگار را کاهش دهیم».

مردم در همین رابطه چی گفتند؟

الف- ما از دست شما (منظور مردم حتما دولت است) اعصابمان می‌ریزد به‌هم و سیگار می‌کشیم. شما را نبینیم، دیگر آرامش اعصاب پیدا می‌کنیم و سیگار نمی‌کشیم.

ب- کشیدن سیگار که بدن را ناسالم می‌کند، از خوردن غذای ناسالم سلامت‌تر است. چی پس؟ سیگار نکشیم نمیریم که غذای ناسالم بخوریم و بمیریم؟ عمرا.

پ- نه بابا. نکنه فقط می‌خواید ما توی زلزله و سیل و آلودگی هوا، تصادف اتومبیل مونتاژ و سقوط هواپیما افقی شویم؟ ما دوست داریم روی پای خودمان بایستیم و با سیگار خودمان زرتمان قمصور شود.

ت- آتیش داری؟

پیشنهاد

«فرهنگ و آهنگ» بازگشت

• سی‌ویکمین شماره نشریه موسیقی «فرهنگ و آهنگ» پس از پنج‌سال وقفه با حرف‌های ناگفته محمدرضا شجریان از محمدرضا لطفی و پرویز مشکاتیان به دکه‌های روزنامه‌فروشی آمد. «فرهنگ و آهنگ» مجله تخصصی موسیقی بود که از نیمه دهه ۸۰ با مدیرمسئولی کیوان فرزین و سردبیری بهرنگ تنکابنی منتشر می‌شد. انتشار این نشریه در شماره سی‌ام که هم‌زمان با ششمین سال فعالیتش بود، متوقف شد؛ توقفی که پنج سال طول کشید. اما حالا با گرافیک و محتوایی متفاوت با سردبیری بهرنگ تنکابنی و با سرپرستی فرهاد فزونی منتشر شده است. مهم‌ترین بخش این شماره، روایت محمدرضا شجریان از این دو آهنگ‌ساز و نوازنده برجسته سه دهه اخیر ایران است. شجریان در این گفت‌وگو از خاطرات مشترکش از همکاری با لطفی و مشکاتیان گفته است. تأثیر گروه عارف و شیدا بر گروه‌های موسیقی و شکل‌گیری کانون چاووش از دیگر مطالب این پرونده است. همچنین فصل تازه‌ای با عنوان تاریخ شفاهی باز می‌شود که به روایت‌های نانوشته‌شده موسیقی معاصر خواهد پرداخت. در نخستین بخش از مجموعه تاریخ شفاهی از کنسرت‌هایی که در سال‌های انتهایی دهه ۵۰ و دهه ۶۰ برگزار شده؛ در روایت هنرمندان خواهید خواند. حاشیه‌های ارکستر سمفونیک تهران نیز بخش دیگری از این شماره «فرهنگ و آهنگ» است. بررسی آثار و زندگی ارکان ائور، آهنگ‌ساز برجسته ترک‌تبار و حسن بن‌علی، پیانیست سبک جاز و مطالبی درباره موسیقی تلفیقی و موسیقی الکترونیک را نیز در این شماره فرهنگ و آهنگ می‌توان دید که با قیمت ۱۵ هزار تومان به دکه‌ها آمده است.

بررسی ابعاد حقوقی برجام

• انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، نشست تخصصی ابعاد حقوقی برجام هسته‌ای را ساعت ۱۶ دوشنبه ۱۲ مرداد برگزار می‌کند و محمدرضا ضیایی‌بیگدلی، استاد دانشگاه علامه‌طباطبایی(ره)، سعید محمودی، استاد دانشگاه استکهلم و محسن عبدالهی، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، سخنرانی می‌کنند. این نشست در خانه اندیشمندان علوم انسانی در خیابان نجات‌اللهی برگزار می‌شود.

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

فردا، روزی برای اهدای خون

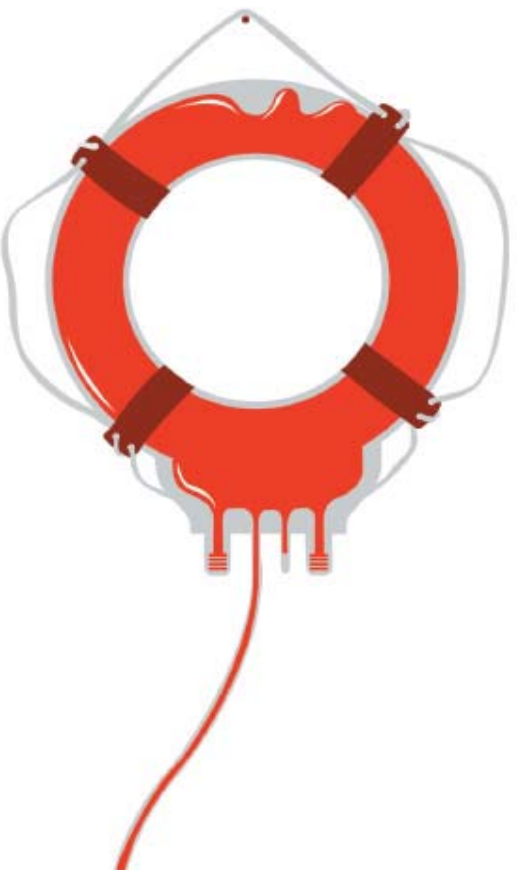

پرسه

یک روز با خانواده مفقودان سیل تهران

در جست‌وجوی عزیزان از دست‌رفته

سعید برآبادی: ساعت هشت صبح، نور اریبِ خورشید توی چشمان هراسان خانواده‌هایی می‌تابد که پشت در پزشکی‌قانونی منتظر خبر تازه‌ای از بچه‌هایشان مانده‌اند. ۱۰ روز گذشته؛ ۱۰ روزی که مثل اسید قلب آنها را از درون خرده و روحشان را فرسوده و هنوز هیچ خبری نیست. با اینکه مقامات رسمی، تعداد قطعی کشته‌شدگان سیل اخیر تهران را اعلام کرده‌اند اما نام فرزندشان در هیچ آماری نیست؛ نه در آمار جسدهای دفن‌شده، نه در آمار جسدهای گِلی و بادکرده پزشکی‌قانونی و نه در آمار مفقودانی که قرار است از زیر گل‌ولای رودخانه کن بیرون بیایند.

با نامه‌هایی که از آگاهی گرفته‌اند، یکی‌یکی داخل می‌شوند، هرروز فرم تازه‌ای را پر می‌کنند، ساعت‌ها انتظار می‌کشند و بعد مسئول عکس‌ها اجازه می‌دهد، پدر و مادر مفقودشده بیایند داخل اتاقکی کوچک و شیشه‌ای و عکس‌های جنازه‌ها را ببینند؛ جنازه‌های متلاشی‌شده، گل‌گرفته، بادکرده، تغییرشکل‌یافته تا جایی که حتی مادر، بچه را به‌جا نمی‌آورد، پدر، جگرگوشه‌اش را نمی‌شناسد. تلاش برای انطباق این تصویرها با واقعیت آن‌قدر سخت است که چیزی جز چشم‌های بی‌اشک آنها خیره به مانیتور نمی‌ماند و درنهایت هم قانع‌شدن در کار نیست: «نه این بچه من نیست، رامین من دومتر قد داشت، فقط ۲۱سالش بود، هیچ گناهی نداشت. یکی از دوستانش که تازه ازدواج کرده بود، او و چهار نفر از دوستانش را برده بود کن‌سولقان. سیل آمده و همه‌شان را برده جز یکی که شانس آورده و به درخت چسبیده». پدر و مادر رامین میرزایی، چشمه اشکشان خشک شده، صبح که راهی پزشکی‌قانونی می‌شوند، با بیل و کلنگ می‌آیند چون می‌دانند که بعد مجبورند سری به رودخانه بزنند و دوباره خودشان دنبال جنازه فرزندشان باشند. ناراحتی‌شان بر سر آمارهای غیرواقعی است که اعلام می‌شود، می‌گویند چطور وقتی بچه ما و دیگران هنوز پیدا نشده، می‌گویند کار جست‌وجوی جسدها تمام شده است؟

کلانتری کن، نامه‌هایی که هرروز از پزشکی‌قانونی می‌رسد را ثبت می‌کند و مراجعان سیل کن را ارجاع می‌دهد به دادسرای ۲۷ که دادسرایی جنایی است در سه‌راه آذری. اما همچنان بر درِ این جست‌وجو قفل بسته مانده. جناب‌سروانی، امید می‌دهد، جناب‌سروان بعدی ناامید می‌کند و در نهایت مأمورند و معذور و نمی‌توانند وقتشان را که باید صرف هزار جرم و مجرم کنند، بگذارند برای کاری که ربطی به آنها ندارد و خانواده‌ها چاره‌ای ندارند جز راهی‌شدن به سمت رودخانه کن. مادرهایی که می‌آیند اینجا، گُلی گم کرده‌اند و می‌جویند آن را و چه باید بکنند، جز بوکردن هر گلی که به آن می‌رسند، حتی اگر زیر خروارها خاک خفته باشد؟ این تصویر آخرین ایستگاه هرروزه جست‌وجوگران بی‌نتیجه است؛ بستر رودخانه کن در تقاطعش با اتوبان همت. اما اینجا هیچ خبر خوشی در انتظارشان نیست. تنها یک لودر مشغول خاک‌برداری است، آن‌هم نه برای یافتن جسدهای تازه، برای بازکردن مسیر رودخانه در زیر پل، چراکه برداشتن کل خاکی که سیل با خودش آورده، اعتبار بیشتری می‌خواهد. مسئول اینجا هم حتی ذره‌ای به امید خانواده‌ها اضافه نمی‌کند: «هلال‌احمر و آتش‌نشانی همه اینجاها را زیرورو کرده‌اند. بعید است دیگر جنازه‌ای در این محدوده باشد». در برابر این موج بی‌امیدی، راهی بستر رودخانه می‌شوند و با چشم‌های پرسان، میان کنده‌های درخت، گل و سنگ دنبال تکه لباسی، کفشی یا کلاهی از پسرشان می‌گردند شاید آن ذره امید باقی‌مانده در دلشان ویران شود و شاید هم جوانه بزند اما باز بی‌نتیجه.

فاجعه چیست؟ جاری‌شدن یک‌باره میلیون‌ها مترمکعب آب در دشتی لم‌یزرع که جان ده‌ها نفر را می‌گیرد و صدها خانواده را در غم و اشک فرومی‌برد؟ فاجعه چیست؟ حضور شرکت چینی که مفت آمده برای دولت قبل، اتوبان تهران- شمال را بسازد و حالا معلوم شده آب‌بندی که با کنده‌های درخت ساخته، جان ده‌ها نفر را گرفته است؟ فاجعه را در پزشکی‌قانونی تهران می‌شود فهمید؛ وقتی که پدر و مادری برای یافتن نشانی از فرزندشان، مجبورند ده‌ها جسد بادکرده را ببینند؟ نه! نه! فاجعه هیچ‌کدام اینها نیست، فاجعه، بی‌خبری است، بی‌خبری مادری که نمی‌داند جنازه فرزندش را پیدا کند خوشحال می‌شود یا نه. فاجعه، طی کردن صدکیلومتری مسیر مثلثی‌شکلِ پزشکی‌قانونی در جنوب‌شرق تهران، پاسگاه کن در شمال‌غربی و جایی در حول‌وحوش اتوبان همت است در جست‌وجوی خبری تازه از مفقودان سیل تهران و بی‌نتیجه! پزشکی‌قانونی، عکس‌های تازه‌ای ندارد، مسئولان گفته‌اند هرچه جنازه بوده، از زیر گل‌ولای بیرون کشیده شده و تحویل سردخانه شده است، پس چاره‌ای نیست جز کاغذبازی تازه در فضای سرد و تلخ سالن انتظار پزشکی‌قانونی و شاهد اشک‌ها و فریادهای افراد داغ‌دیده. می‌گویند خاک سرد است و آرام‌کننده و خانواده‌ها تا جنازه فرزندشان را به خاک نسپارند آرام نمی‌شوند و فرزندشان را آرام نمی‌کنند، بماند که سر قصه سیل حالاحالاها باز است و مسئولان از همین حالا حتی برای سیل بعدی آمادگی ندارند.

کودکی

دعوای خانگی!

محمدهادی محمدی

چندسال دیگر به صدسالگی پایه‌گذاری نظام کودکستانی یا پیش‌دبستانی در ایران نمانده است. ایده پایه‌گذاری نظام پیش‌دبستانی اگرچه کار جبار باغچه‌بان، یکی از معماران سترگ آموزش‌وپرورش ایران، نبود و پیش از او ارمنیان تبریز در سال ۱۲۹۷ کودکستان خانزادیان را پایه گذاشته بودند، اما او با تدوین برنامه کودکستانی خود، نبوغ سرشارش را در ادامه راه فردریش فروبل، پایه‌گذار نظام کودکستانی در جهان، به نمایش گذاشت. جبار باغچه‌بان نهالی را کاشت و آن را به دست دیگران سپرد، اما این دیگران هیچ‌گاه نتوانستند همچون او این نهال را در این سرزمین آبیاری کنند، چنان‌که در چرخش یک‌سدگی نظام آموزش پیش‌دبستانی هنوز بسیاری از افراد آموزش‌دیده این کشور تفاوت مهدکودک، کودکستان و پیش‌دبستانی را نمی‌دانند. مرزهای این نهادها در این سرزمین به‌هم‌ریخته است، زیرا متولی اصلی نهاد آموزش‌وپرورش پیش‌دبستانی در ایران مشخص نیست. این مشخص‌نبودن به سبب اجباری‌نبودن آموزش‌وپرورش پیش‌دبستانی در ایران است. شاید هنوز بسیاری از افراد ندانند که نرخ بهره‌مندی کودکان ایران در دوره سنی شش‌ماهگی تا شش‌سالگی از آموزش‌وپرورش پیش‌دبستان چه میزان است. آمارهای رسمی و تاکنونی این نرخ را زیر ۱۰ درصد نشان می‌دهد، اما اکنون در نهاد آموزش‌وپرورش کسانی پیدا شده‌اند که ادعای نرخ ۵۰ درصد را می‌کنند. نگاهی به سایت سازمان بهزیستی بیندازید که در حقیقت متولی بخشی از این نظام دوپاره است، صرف‌نظر از اینکه یک نهاد عظیم فاقد کمترین میزان داده‌های آماری در سایت خود است و همین سایت می‌تواند گویای وضع آموزش‌وپرورش پیش‌دبستانی در ایران باشد، باید گفت که ایران کنونی یکی از پایین‌ترین نرخ‌های بهره‌مندی کودکان از آموزش پیش‌دبستانی در جهان را دارد. اما همین نرخ پایین بهره‌مندان سبب دعوای میان دو نهاد آموزش‌وپرورش و سازمان بهزیستی شده است. آموزش‌وپرورش خود را صاحب حق می‌داند که به کودکان چهار تا شش‌ساله در نظام آموزش پیش‌دبستانی که ساخته فکر کارگزاران یکی، دودهه اخیر این نهاد است، آموزش بدهد، از آن‌سو سازمان بهزیستی که در این تقسیم کار متولی آموزش کودکان زیر چهار سال شده است، خود را محق می‌داند که کل این نظام را در اختیار داشته باشد. دراین‌میان اما سهم مردم روشن نیست.

آن اکثریت خانواده‌های کودکان شهری و روستایی که از آموزش پیش‌دبستانی محروم هستند، درحالی‌که سن زرین آموزش به کودکان در شش سال اول زندگی است، نمی‌دانند با کدام نهاد و چگونه طرح پرسش کنند. پرسش بزرگ این است. همین کمینه کودکان که در نظام پیش‌دبستانی ایران آموزش می‌بینند، کیفیت آموزششان را کدام مرجع و نهاد تأیید می‌کند؟ بیشتر مهدکودک‌ها جایی برای نگهداری کودک است نه جایی برای پرورش آنها. در بخش پیش‌دبستانی که با طراحی کارگزاران آموزش‌وپرورش باید دوسال باشد و به سبب کمبود بودجه در بسیاری جاها یک‌ساله اجرا می‌شود، کدام فضای اختصاصی برای این گروه از کودکان در فضای دبستان وجود دارد؟ آموزش‌وپرورش پیش‌دبستانی جدای از برنامه آموزشی، آموزش در فضایی سرشار از رنگ، درخت، گیاه و برنامه آموزشی با رویکرد مشخص است. این رویکردها که بیشتر بازی‌محور هستند، برپایه نیازهای کودک این دوره به شادی و بازی شکل گرفته‌اند. اگر پایه آموزش‌های پیش‌دبستانی را برنامه زبان‌آموزی بگذاریم، کدام‌یک از این دو نهاد می‌توانند یک کتاب یا یک بسته را معرفی کنند که همه اجزای یک برنامه زبان‌آموزی پیشرفته شامل آشنایی با زبان اشاره خردسالان، آواشناسی، نشانه‌شناسی و الفباشناسی برپایه آواها را، آن‌هم با رویکرد بازی و شادی در خود جای داده باشد؟ اما در جای خالی این برنامه‌های آموزشی با رویکردهای خلاق، گروهی از کاسبان بازار کودک در سال‌های اخیر بسته‌های زبان‌آموزی را به شکل نماکارت‌های کم‌کیفیت و البته با پشتیبانی برنامه‌های تلویزیونی به خورد مردم دادند و ده‌ها میلیارد تومان از جیب مردم مشتاق خالی کردند. بخش بزرگی از این بسته‌های زبان‌آموزی در مهدکودک‌ها به فروش رسید و البته کسی هم جلو آنها را نگرفت. بنابراین ای‌کاش در این دعوای خانگی دو اصل برای زمینه دعوا در نظر گرفته می‌شد. نخست برنامه ملی برای گسترش نرخ بهره‌مندی کودکان از نظام آموزش پیش‌دبستانی و دیگر کیفیت آموزش پیش‌دبستانی که حتی از اولی هم مهم‌تر است. آن‌گاه این دعوای خانگی از پشتیبانی مردم برخوردار می‌شد.

گزارش

۵ نقطه دیدنی کنیا که اوباما از دست داد

• سفر باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات‌متحده‌آمریکا به زادگاه اجدادی‌اش، کنیا، بخش عمده‌ای از اخبار رسانه‌ها را در روزهای گذشته به خود اختصاص داد. این اولین سفر اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهور به کنیا بود. پیش‌تر در سال ۲۰۰۶ وقتی اوباما سناتور بود، به این کشور سفر کرده بود. در روزهایی که اوباما در آنجا بود، «نیویورک‌تایمز» در گزارشی به رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد کرد تا وقتی در این کشور است، پنج محل دیدنی آن را از دست ندهد و حتما به آنها سر بزند که به نظر می‌رسد اوباما به دلایل مختلف نظیر کمبود امنیت، وقت و... آنها را از دست داد. براساس این گزارش، سفر اوباما به کنیا در فضایی امنیتی سپری شد و بخش عمده آن به رفت‌وآمد در نایروبی، پایتخت کنیا، محدود ماند. درصورتی‌که اوباما می‌توانست وقت بیشتری را صرف دیدن از کشوری کند

که جاهای دیدنی بسیاری برای گشت‌وگذار دارد. اولین پیشنهاد نیویورک‌تایمز، پارک ملی «ماسایی‌مارا» است. این پارک ملی که گونه‌های متنوع جانوری را در خود جای داده است، با گورخرها و آهوهایش شناخته می‌شود. این فصل از سال در کنیا فصل مهاجرت گونه‌های مختلف حیات وحش است و بنا بر این گزارش، بهترین زمان برای دیدن این‌گونه‌هاست. به اعتقاد تیلور، کارشناس گردشگری نیویورک‌تایمز، در هوای گرم این فصل کنیا بهترین وسیله برای بازدید از این پارک ملی بالون است. دریاچه ویکتوریا دومین پیشنهاد است. این دریاچه بزرگ‌ترین دریاچه قاره آفریقا و دومین دریاچه بزرگ آب شیرین جهان است که برخی اقوام بومی در حاشیه آن زندگی می‌کنند. به‌همین‌دلیل بهترین مکان برای آشنایی با زندگی بومی آفریقاست. کوه کنیا، دومین کوه بلند آفریقا پس از کلیمانجارو، پیشنهاد سوم است. سفر هوایی به این کوه به پرزیدنت اوباما پیشنهاد شده بود. یتیم‌خانه فیل‌های شلدریک و منطقه حفاظت‌شده LEWA پیشنهادهای بعدی بودند. بچه‌فیل‌های آفریقا و کرگدن سیاه گونه‌های جانوری منحصربه‌فردی هستند که اوباما می‌توانست در این مناطق ببیند. اوباما اما همه اینها را از دست داد.

پژوهش

حسین راغفر آمار گرسنگی در ایران را بررسی کرد

جنبه‌های سیاسی بر حمایت‌های اجتماعی غلبه می‌کند

مهسا علی‌بیگی: خردادماه امسال فائو (سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد) اعلام کرد که ۷۲ کشور جهان موفق به تحقق اولین هدف توسعه هزاره یعنی به‌نصف‌رساندن شیوع سوءتغذیه تا سال ۲۰۱۵ شده‌اند که در میان این کشورها، نام جمهوری اسلامی ایران نیز دیده می‌شد. اما حالا یک نماینده مجلس از وجود ۱۲ میلیون گرسنه در کشور خبر داده است. «مجتبی رحماندوست»، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، گفت: «براساس آماری که وزارت اطلاعات منتشر کرده است، ۱۰ درصد شهرنشینان و ۱۸ درصد روستاییان جزء افراد فقیر جامعه هستند. براساس آمارها، در مجموع حدود ۱۴درصد مردم کشور که تقریبا ۱۲ میلیون نفر را شامل می‌شود، گرسنه هستند. نیمی از این افراد تحت پوشش دو نهاد حمایتی کمیته امداد امام‌خمینی(ره) و بهزیستی هستند. در صورتی که شش میلیون نفر در کشور وجود دارند که تحت پوشش هیچ ارگان حمایتی‌ای نیستند و در مطالعات تخمینی اجتماعی مجلس تعداد این افراد به ۱۰ میلیون نفر هم می‌رسد که به تعبیر وزارت اطلاعات این افراد گرسنه هستند». در این زمینه البته آمارهای دیگری نیز وجود دارد مثل آمار WFP (برنامه جهانی غذا) که می‌گوید ۱۳.۵درصد از جمعیت کشورهای درحال‌توسعه دچار سوءتغذیه و دوسوم جمعیت آسیا گرسنه محسوب می‌شوند. «حسین راغفر»، اقتصاددان، در این زمینه می‌گوید: «در زمینه گرسنگی آمارهای مختلفی وجود دارد که البته این آمارها تفاوت زیادی با هم ندارند و همگی همین ۱۲ میلیون نفر گرسنه را نشان می‌دهند. با وجود این نبود یک نظام آماری کارآمد که نشان بدهد چه میزان از جمعیت با فقر و گرسنگی مواجه هستند، یکی از کاستی‌های کشور ما در این زمینه است که خود این موضوع باعث می‌شود حمایت‌های لازم از این جمعیت صورت نگیرد».

بخشی از تفاوت آمارها را باید در تعابیر متفاوت دانست زیرا گرسنگی و سوءتغذیه با هم متفاوت هستند. راغفر می‌گوید: «گرسنگی شکل حاد فقر است. گرسنگی یعنی کل منابعی که یک خانوار یا یک فرد در اختیار دارد نمی‌تواند حتی حداقل تغذیه او را تأمین کند. سوءتغذیه می‌تواند در نتیجه عوامل فرهنگی ایجاد شود اما علت اصلی گرسنگی، ناتوانی در دسترسی به منابع کافی و فرصت کسب درآمد مناسب است. مسئله گرسنگی و به‌ویژه گرسنگی کودکان بسیار مهم است و به‌عنوان بخشی از حقوق انسانی در قانون اساسی تصریح شده است». گرسنگی تأثیرات بسیار مخربی به‌دنبال دارد که از نظر این اقتصاددان، ازرشدماندگی ذهنی و جسمی از بقیه مهم‌تر هستند. او می‌گوید: «در کشور ما ازرشدماندگی جسمی و ذهنی کودکان در مناطق مختلف قابل مشاهده است. این ازرشدماندگی آثار بلندمدتی بر زندگی این گروه از جامعه خواهد داشت و آنها را وارد چرخه فقر بین‌نسلی می‌کند. به‌این‌ترتیب که کودکانی که دچار این مشکل هستند نمی‌توانند تحصیلات مناسب داشته باشند، همچنین دسترسی به فرصت‌های شغلی نیز از آنها سلب می‌شود و در نتیجه وارد چرخه‌ای می‌شوند که هم خودشان فقیر خواهند شد و هم فرزندانشان».

با وجود این نباید از ریشه‌کن‌کردن گرسنگی ناامید بود. راغفر معتقد است که با یک برنامه میان‌مدت پنج ساله می‌توان آمار ۱۲ میلیونی را به صفر رساند. اما چرا این اتفاق تاکنون نیفتاده است. این اقتصاددان پاسخ می‌دهد: «ناکارآمدی نظام حمایتی در ایران به شکل چندگانه‌بودن این نهادها بخشی از مشکل است. در چندگانگی نهادهای حمایتی تعداد زیادی نهاد مسئول برای حمایت از نیازمندان وجود دارد که فقط هزینه‌های اجرائی کمک به فقرا را افزایش می‌دهند. ازسوی دیگر روش‌های ناکارآمد برای کاهش و مقابله با فقر و گرسنگی در کشور وجود دارد. همچنین به نظر می‌رسد وجود نظام حمایتی جامع در ایران مسئله‌ای جدی برای دولت‌ها نیست. نظام حمایتی در ایران نظامی با هدف‌های مشخص و جامع نیست و بیشتر جنبه‌های سیاسی بر حمایت‌های اجتماعی غلبه می‌کند». در کنار همه اینها باید به مشکلات کلان اقتصادی مثل رشد اقتصادی منفی در سال‌های گذشته نیز اشاره کرد. با وجود این راغفر همچنان ابراز امیدواری می‌کند: «در کشور ظرفیت‌های لازم برای ریشه‌کنی گرسنگی وجود دارد به این شرط که منابع کشور مصروف بخش‌های حمایتی شوند. در این زمینه بسیاری از نهادهای اصلی ازجمله وزارتخانه‌های آموزش‌وپرورش و بهداشت می‌توانند با تنظیم یک برنامه تغذیه‌ای مناسب نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند».

درحال‌حاضر ۷۹۵ میلیون نفر در سرتاسر جهان غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم را به دست نمی‌آورند. ۱۴.۵درصد از این جمعیت در کشورهای درحال‌توسعه زندگی می‌کنند. قرار است این نسبت تا پایان سال ۲۰۱۵ به هفت درصد برسد؛ هدفی که برای رسیدن به آن زمانی کم و راهی دراز در پیش است.

همین حوالی

• رونمایی کتاب «پرسه‌های شبانه»، نوشته پاتریک مودیانو، ترجمه نازنین عرب، عصر جمعه نهم مرداد برگزار می‌شود. این اثر یکی از آخرین نوشته‌های پاتریک مودیانو، نویسنده نوگرای فرانسوی، است که سال گذشته موفق به دریافت جایزه نوبل شده است. رونمایی کتاب پرسه‌های شبانه توسط نشر پرسه، همین جمعه در کافه گالری سُل؛ واقع در خیابان ولی‌عصر، بالاتر از توانیر، جنب پل همت، بالای پله‌ها و زیر آسمان تهران از ساعت ۱۸ تا ۲۱ برگزار می‌شود.

• انجمن حمایت از زندانیان مرکز و گروه سینمایی هنر و تجربه با مساعدت جواد نوروزبیگی، تهیه‌کننده فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من»، آیین گلریزان برای چهار محکوم به قصاص را برگزار می‌کند. روز شنبه ۲۴ مرداد، از ساعت ۱۹:۳۰ فروش بلیت فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من» در سینما فرهنگ تهران، آغاز می‌شود. در این مراسم خیریه که به بهانه تأمین دیه چهار محکوم به قصاص و کمک به خانواده‌های نیازمند زندانیان برگزار می‌شود، کارگردان فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من» و بازیگران این اثر سینمایی و جمعی از چهره‌های سینما، تئاتر، موسیقی و سیاسی کشور حضور خواهند داشت.